

بحثی در باره منابع

الأبنية عن حقایق الأدویة

یونس کرامتی

کتاب الأبنية عن حقایق الأدویة یکی از کهنترین متباهای پزشکی باقی مانده به زبان فارسی است و از دو دستوشته موجود این کتاب یکی به خط اسدی طوسی، شاعر و فرهنگنویس شهر ایرانی (متوفی ۴۶۵ ه.ق.)، است که قدیمترین متن فارسی موجود نیز به شمار می‌رود. در باره مؤلف این کتاب، ابومنصور موفق بن علی الهروی (متوفی اوایل قرن پنجم هجری قمری)، و زمان تألیف آن و این احتمال که کتاب ترجمه اثر دیگری است، تحقیقات بسیاری صورت گرفته است^۱؛ اما در این میان، مستدلترین نظریه را جلال خالقی مطلق ارائه کرده است^۲. به نظر وی، مؤلف و کاتب هر دو در دربار ابونصر جستان - پسر ابراهیم حاکم طارم - بوده و اسدی کتاب را در ۴۴۷ ه.ق. کتابت کرده است. ولی منابع مورد استفاده هروی کمتر مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است. در اینجا کوشش شده است تا در باره یکی از ابهامهای منابع وی، مطالبی عرضه گردد.

۱. چکیده این تحقیقات و فهرستی از نام و نشان آنها در دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ذیل «ابومنصور موفق هروی») آمده است.

۲. مقاله «اسدی طوسی»، در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، س ۱۳، ش ۴، صص ۶۶۲ - ۶۶۴.

هَرَوی گه گاه از پزشکی به نام یوحنا یاد کرده و به او اسناد جسته است، که شادروان احمد بهمنیار وی را همان یوحنا بن ماسویه (متوفی ۲۴۳ ه. ق.) - پزشک مشهور سُریانی زبان و یکی از بزرگترین نمایندگان مکتب پزشکی جندی شاپور - دانسته است.^۱ البته می‌دانیم که در بسیاری از متون کهن پزشکی، مراد از یوحنا، بدون اشاره به نسب او، یوحنا بن ماسویه بوده است؛ اما در بررسی‌های اخیر خود در باره احوال و آثار پزشک سُریانی زبان و مشهور دیگری به نام یوحنا بن سراپیون (متوفی نیمه دوم سده سوم هجری قمری) در یافتیم که برخی از مطالبی که ابومنصور از آن یوحنا دانسته، در حقیقت از یوحنا بن سراپیون بوده است. از آنجا که این پزشک نیز دو اثر مهم با نامهای الکناش الصغیر و الکناش الکبیر داشته و ابومنصور ۲۰ بار از یوحنا نام برده است؛ کوشش می‌کنیم تا در هر موضع، مقصود مؤلف را از این نام روشن نماییم.

هروی به طور قطع در کتاب خود از الکناش الصغیر استفاده کرده است. درستی این مدعا نیز با مقایسه مواضع مشابه کتابهای الکناش الصغیر ابن سراپیون، جامع الأدوية المفردة ابن سمجون و الجامع لمفردات الأدوية ابن بیطار، ثابت می‌شود و به خوبی در می‌یابیم که ابن سمجون و ابن بیطار، الکناش الکبیر را مورد استفاده قرار داده‌اند. ولی سخنانی که ابومنصور از ابن سراپیون (با عنوان یوحنا و گاه بدون ذکر مأخذ) نقل کرده است، کوتاهتر از نقل قولهای ابن سمجون و ابن بیطار و مطابق با سخنان ابن سراپیون در الکناش الصغیر است. به همین دلیل، مطالبی را که ابومنصور از یوحنا نقل می‌کند و در الکناش الصغیر نیست، به احتمال قریب به یقین از آن یوحنا بن ماسویه است. با اینهمه تا آنجا که ممکن بود این مطالب با آنچه که رازی، ابن سمجون و ابن بیطار از ابن ماسویه نقل کرده‌اند، مقایسه شده و نکات مشابه آنها استخراج و ثبت گردیده است و مواردی هم که در این بررسی بدانها اشاره‌ای نشد، به گمان قوی از یوحنا بن ماسویه است.

۱. الأبنیة عن حقایق الأدوية، به تصحیح احمد بهمنیار، به کوشش حسین محبوبی اردکانی، حواشی صفحات

بحثی در باره منابع الأبنیة عن حقایق الأدوية ۳۱۳

نام ماده	الأبنیة عن حقایق الأدوية (نقل از یوحنا)	منابع دیگر
بشقایج	ص ۵۸ : بسایج: شربتی از چهار قیراط است تا هشت قیراط که اندر او خطری عظیم است و خطرش خرد کردن و ساییدن نیز، و بروغن گوز معجون کردن ببرد.	ابن سرابیون، ۷۴ آ: اسهاله کاسهال شحم الحنظل... و ینبغی ان یسقی من اصله مسحوقا مثقالین و یشرب مع ماء العسل و ماء الشعیر.
حنطه	ص ۱۰۳ : گرم و خشک است پشش اندر میان درجهی اول و خشکی از آتش یافته است.	ابن سراجون، ۱۵۱/۱: یوحنا بن ماسویه، قوة حنطة فی الحرارة من الدرجة الاولى... (۱۵۲/۱)؛ الحنطة حارة... (نیز رازی، ۲۰/۲۸۶).
خرّیّ سیاه (اسود)	ص ۱۳۴-۱۳۵: و خربق سیاه به قول یوحنا صفرا را اسهال کند و اسهال اوی از اسهال سقمونیا بیشتر است، و اندر علت‌های تیز و دیرینه بخورند آنرا که داروی سهل به کار آید مرسودا را چنانکه دیوانگان را، و صداع و شقیقه و ماده‌هایی که فرا چشم آمده باشد، و درد سینه را منفعت کند، و تن را پاک گرداند و رحم و مثانه را، و همه بیماریهای دیرینه را که اندر شش بود و یرقان و خصف و خنازیر و ماشرا و نمله و تشقر را سود کند و همه تن را به بی‌رنجی بردازد، و اول کار بر صفرا کند، آنکه بر سودا تا آنکه که بی‌رنجی همه تن بردازد، و کسی را که تپی صعب نباشد نباید داد و ستر (صعتر) و فوتج با او مضاف باید کرد و دیگر داروهای لطیف زودگوار که معده را سود کند تا منفعت بیفزاید، و آنکه او را خورد باید که از پیش چیز نخورده باشد، که چون غذا خورده باشد مخاطره بود که تشنج برافکند.	ابن سرابیون، ۷۲ آ و ب: سهل مرار الاصر اكثر من السقمونيا و یسقی فی علل حادة المتقدمة التي یحتاج فیها الي الدواء سهل للمرار كالجنون و الصداع و المواد المنحدرة الى العین و اوجاع الصدر و هو شدید المنفعة فی تنقیة الاحشاء و الرحم و المثانة و الامراض المتقدمة العارضة فی قصبه الرية و الیرقان و الحصف و الخنازیر و الماشرا و النملة و تشقرو هو یستفرغ سایر البدن بلا مشقة و لا صعوبة و اكثر ما یستفرغ المرار الاصر و بعد ذلك المرار الاسود علی اكثر الامر و كذلك یستفرغ هذا المرار بلا مشقة و ینبغی ان یسقی لمن لیس به حمی صعبة، و ینبغی ان یسقی من اصوله مثقال واحد و اكثر مع ماء العسل او عسل و ینبغی ان یضاف الیه الفوذنج و الصعتر و سایر الادوية اللطيفة السريعة النافعة للمعدة، فانه یکتسبه منفعة و ینبغی للشارب له ان یتقدم قبل شربه اياه بالامتناع عن الغذاء.

رازی، ۲۲/۲۱: ابن ماسویه، و دهنه حمید فی اوجاع العصب و اوجاع الارحام. ابن سرابیون، ۱۶۷ ب - ۱۶۸ آ: فواید آن ذکر نشده است.	ص ۱۴۵: گرم است و لطیف و سردی عصب را نیک باشد و رحم را نیز.	دهن الشوسن
ابن بیطار، ۷۵/۴: ابن ماسویه، الکلی باردة یابسة غیر محمود و فہیا...	ص ۲۸۹: کلیه سرد است و خشک، و غذاش بد بود و از همه جانوران کلیه‌ی بزه بهتر است.	گوشت کلیه
رازی، ۶۳۶/۲۱: ابن ماسویه، هوحار رطب فی اول الثانية، یلین البطن، و یدر البول و یتغیر رائحة (ابن بیطار، ۱۹۶/۴: مغیر لرائحة البول کفعل انحدان)، زائد (یزید) فی الباه، مفتوح السدد التي تعرض فی الکلی و الکلبد...	ص ۳۴۱: معتدل غذایی است گرم و نرم و بستانی ترّ به باشد که دشتی، و غذاش بیشتر، و شهوت جماع بگشاید، و اندر منی بفزاید، و ادرار بول آورد، و غذاش میانه است، و اندر او بعضی جلاست، شدّد جگر و کلی بگشاید، و تازه خورند، و بگوشت پخته، و بزیت و مرّی پخته نیز.	هلیون

به طوری که ملاحظه گردید در تمام موارد فوق، تنها شرح خربق سیاه از یوحنا بن سراپیون نقل شده است و در عبارت فارسی «و کسی را که تبی صعب نباشد نباید داد» نیز واژه «باید» درست به نظر می‌رسد (با متن عربی قیاس کنید؛ نیز با ابن بیطار، ۵۵/۲، که همین مطلب را از الکناش الکبیر ابن سراپیون نقل کرده است). هروی دست‌کم در دو مورد دیگری آنکه از ابن سراپیون نامی ببرد از وی نقل قول کرده است.

ذیل واژه خروج، متن فارسی با متن عربی دو اختلاف دارد: نخست تفاوت میان «بیست» و «سیع عشرة»، که ممکن است ابومنصور با استناد به منبع دیگری در آن تغییر داده باشد. دوم عبارت «از هند و روم» است که به نظر می‌رسد آن را خود افزوده باشد تا این دعوی را که در کتابش بهتر از هر کس دیگری، سخنان حکمای هند و شرح

نام ماده	الأبنية عن حقایق الأدوية	الكناش الصغير
خِرْوَع	ص ۱۳۰: ... و اسهال بلغم آورد و لیکن نه سخت قوی، و شربتی از او یازده دانه تا بیست دانه است بر رای حکیمان قدیم از هند و روم اما محدثان یازده بیش ندهند.	۷۶ ب: و هذا ايضاً مما يسهل البلغم و لكنه لا يسهله اسهالاً قوياً و ينبغي ان يقشر و يسقي منه احد عشرة حبة و اذا اكثر منه فسبيع عشرة على رأى القدماء فاما على رأى المحدثين فاحد عشرة فقط.
دُهْنُ الحَسَكِ	ص ۱۴۸: روغن حسک کسی را که بول بسته بُود بکشاید، و درد تهیگاه و کلی و وجع المفاصل را نیک باشد، و آب گونه‌ی روی نیکوگرداند و اندر باه بیفزاید، و بر جماع حریص کند، و کلی و شانه و پشت درست گرداند چون از او مقدار یک وقیه هر روز بخورند با میخخته یا با نیبذ و بر هلك چشم آلایند هم سود دارد.	ابن سربایون، ۱۶۷ ب: للمفاصل يحسن اللون و يزيد في الباه و يحث على الشهوة و يصلح للکلى و المثانة و الظهر اذا شرب منه مقدار اوقية كل يوم بميخج و يستعمل ايضاً... [نسخه دوم] دهن الحسک ينفع من عسر البول.

داروهای هندی را آورده، اثبات کرده باشد.^۱ داروهای هندی را آورده، اثبات کرده باشد.^۱ ابو منصور گاهی هم فراموش می‌کند که نام یوحنا را بیاورد؛ چنانکه در باره «روغن نرگس»، یک بار ذیل «نرگس»^۲ به یوحنا (ابن ماسویه) ارجاع می‌دهد و با آنکه ذیل «دهن نرجس» نیز همان مطلب را تکرار می‌نماید^۳ نامی هم از یوحنا نمی‌برد. هر وی در خصوص ادهان^۴ - بویژه در باره دهن الحسک - از باب «فی صنعة ادهان» کتاب الکناش الصغير بی آنکه از ابن سربایون یاد کند نقل قول کرده است، و این در حالی است که در همین باب پنج بار از یوحنا نقل قول می‌کند که قطعاً منظور وی ابن سربایون نبوده است. نهایت اینکه در باره این موضوع سه احتمال می‌توان داد: نخست

۲. همان، ص ۳۳۲.
۴. همان، صص ۱۳۸ - ۱۵۳.

۱. الأبنية، صص ۱ - ۵.
۳. همان، ص ۱۴۶.

آنکه نام ابن سراجیون را فراموش کرده باشد؛ دوم آنکه بعمد از ذکر نام او خودداری کرده باشد (که با توجه به سایر ارجاعات وی در این بخش، چنین احتمالی بعید می‌نماید) و سوم اینکه این بخش از کتاب ابن سراجیون را با واسطه از شخص دیگری نقل کرده، و این شخص سخنان ابن سراجیون را بدون ذکر نامش آورده باشد، و شاید این واسطه کتاب قانون ابن سینا^۱ بوده؛ زیرا او نیز بیشتر مطالب باب ادهان کتاب ابن سراجیون را نقل کرده است. بخصوص در باره «دهن الحسک»، که ابن سینا^۲ در روش تهیه آن را عیناً از ابن سراجیون (ولی بدون ارجاع) آورده است و ابومنصور نیز دقیقاً همان فوایدی را که ابن سینا در نسخه سوم «دهن الحسک» آورده بر سخن ابن سراجیون افزوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن ابی اصیبعه، عیون الأبناء فی طبقات الأطباء، به کوشش آگوست مولر، ۱۲۹۹ هـ. ق.
- ابن البیطار، الجامع لمفردات الأدوية والأغذية، قاهره، ۱۲۹۱ هـ. ق.
- یوحنا بن سراپیون، الکناش الصغیر، ترجمه از سریانی به عربی، از حسن بن بهلول، نسخه خطی شماره ۹۶۶۸، متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ابوبکر حامد بن سمجون، جامع الأدوية المفردة، چاپ عکسی، به کوشش فؤاد سزگین، فرانکفورت، ۱۹۹۲ م.
- ابن سینا، القانون، بولاق، ۱۲۴۹ هـ. ق.
- ابومنصور موفق هروی، الأبنية عن حقایق الأدوية یا روضة الانس و منفعة النفس، به تصحیح احمد بهمنیار، به کوشش حسین محبوبی اردکانی، تهران، ۱۳۴۶ ش.
- محمد بن زکریا بن یحیی رازی، الحاوی فی الطب، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۴ - ۱۳۹۰ هـ. ق. / ۱۹۵۵ - ۱۹۷۰ م.
- خالقی مطلق، جلال، «اسدی طوسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، س ۱۳، ش ۴، ۱۳۵۶ ش.



پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی